

دانشگاه فرهنگیان و گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف

(بخش اول)

جواهر مؤذنی

اشاره

بین برنامه و محتوای آموزشی کتاب‌های درسی و برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان باید ارتباط بسیار نزدیکی وجود داشته باشد تا معلمانی که از دانشگاه فرهنگیان فارغ‌التحصیل می‌شوند، با اطلاع کامل از تغییرات و محتوای آموزشی کتاب‌ها و برنامه درسی جدید گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف، سکان تدریس را در دست بگیرند.

برای رسیدن به این هدف، هم روش‌های استادان و هم سرفصل‌های برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان باید با کتاب‌ها و برنامه‌های درسی جدید زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف هماهنگ باشد و به‌ویژه استادان در آموزش دانشجومعلم‌ان از کاربرد روش‌های قبل و قدیمی خودداری کنند.

اما چگونه می‌توان این هماهنگی را بین دانشگاه فرهنگیان و دفتر تألیف ایجاد کرد؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال مهم، در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ پای صحبت استادان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان دفتر تألیف نشستیم.

خواندن گزارش این نشست که با حضور خانم پروین جعفری و آقایان حیدر قمری، هادی دهقانی یزدلی، محمدحسین نجفی، علی‌اکبر کمالی‌نهاد و محمدرضا سنگری برگزار شد، به شما پیشنهاد می‌شود.

○ **محمدرضا سنگری:** دانشگاه فرهنگیان مرجع تربیت معلمان و تأمین نیازهای آینده نظام آموزش و پرورش است. در روزگار ما چشم‌های زیادی به دانشگاه فرهنگیان دوخته شده‌اند. کسانی که فعالیت‌های این دانشگاه را رصد می‌کنند، دغدغه‌شان این است که محصول آن در آینده چه خواهد بود و چقدر می‌تواند نیازهای آموزش و پرورش را تأمین کند. ما نیز امیدواریم با پرورش آموزگاران و معلمان شایسته، شاهد تعالی آموزش و پرورش باشیم.

برای اینکه تصویر روشن‌تری از این دانشگاه، البته فقط در قلمرو زبان و

کسانی که فعالیت‌های این دانشگاه را رصد می‌کنند، دغدغه‌شان این است که محصول آن در آینده چه خواهد بود و چقدر می‌تواند نیازهای آموزش و پرورش را تأمین کند

ادبیات فارسی، پیش‌روی خود داشته باشیم، استادان حاضر با پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی یاریگر ما هستند. به‌عنوان نخستین سؤال، از خانم جعفری می‌خواهم ضمن معرفی خود بفرمایند:

● **با توجه به محتوای آموزشی درس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فرهنگیان، واحدهای درسی این دانشگاه را که مرتبط با زبان و ادبیات فارسی است، چگونه تحلیل و تبیین می‌کنید؟**

○ **پروین جعفری:** از سال ۱۳۶۸ با سمت معاون آموزشی در تربیت‌معلم بوده‌ام و درس‌های تخصصی متون نظم حماسی، متون نثر تعلیمی و ادبیات

انقلاب را تدریس کرده‌ام. بنابراین، چون سال‌هاست مدیر گروه هستم، کاملاً با واحدهای درسی آشنایی دارم.

زمانی در سازمان پژوهش، گروه تربیت‌معلم وجود داشت و کسانی چون مرحوم نعمت‌اللهی کارشناس آن بودند و برنامه‌ها را هدایت می‌کردند. الان ظاهراً دیگر آن گروه وجود ندارد. تفاهم‌نامه‌ای هم که بین سازمان پژوهش و دانشگاه فرهنگیان بسته شد معلوم نیست تا چه حد اجرایی شده باشد.

آنچه مشخص است، بعد از تغییر و تحوّل اساسی که سال ۱۳۹۹ در واحدهای درسی و سرفصل‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان ایجاد شد، با تغییر در واحدهای تخصصی واحدهای جدیدی را در برنامه گنجانده‌اند، در مقابل از بعضی از واحدهای درسی هم کاستند؛ مثلاً واحدهای درسی بلاغت و علوم و فنون و مهارت‌های خواندن و نوشتن کمتر شد، در حالی که به عقیده من واحدهای مربوط به نوشتن باید بیشتر می‌شد. اما متون به اندازه کافی در برنامه درسی وجود دارد و استاد متخصص آن درس به‌خوبی می‌تواند آن را آموزش بدهد و دانشجویان را با متن آشنا کند. درس‌های تربیتی، طراحی واحد درسی، طراحی آموزشی و برنامه‌ریزی زبان و ادبیات فارسی هم توانایی دانشجویان ما را بالا می‌برد. اما وقتی وارد مدرسه می‌شوند، بعضی از آنچه را آموخته‌اند، نمی‌توانند به‌خوبی آموزش بدهند.

در اینجا به برنامه درسی و واحدهای درسی تخصصی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فرهنگیان، که با خود به جلسه آورده‌ام، اشاره می‌کنم:

متون نثر تاریخی و گزارشی (تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، سفرنامه ناصر خسرو) متون نثر تعلیمی (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، گلستان) متون نثر داستانی (کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، انوارسپیلی) متون نثر عرفانی (کشف‌المحجوب، مرصادالعباد) متون نثر تفسیری (کشف‌الاسرار، روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن)، متون نثر

داستانی معاصر، متون نظم حماسی، متون نظم غنایی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵، متون نظم تعلیمی (مخزن‌الاسرار نظامی، بوستان سعدی)، متون نظم عرفانی ۱ و ۲، متون نظم معاصر، ادبیات انقلاب اسلامی، تاریخ ادبیات فارسی ۱ و ۲، سبک‌شناسی نظم و نثر، دستور زبان فارسی معاصر، دستور تاریخی زبان فارسی، بدیع، انواع ادبی، معانی، بیان، آیین‌نگارش، ویرایش، عروض و قافیه، مرجع‌شناسی و روش تحقیق، زبان‌شناسی، ادبیات کودک و نوجوان.

در دانشگاه فرهنگیان، وقتی دوره‌هایی می‌گذاریم، همه استقبال می‌کنند و می‌گویند چرا فقط برای دو نفر، چرا تعداد بیشتری نه؟ پیشنهاد می‌کنم دوره‌های

پرمحتوای بیشتری با استادان خوب بگذاریم.

درباره ارتباط و پیوند دانشگاه فرهنگیان با کتاب‌های فارسی، خیلی سال قبل، وقتی من معاون آموزشی دانشگاه مرکز تربیت معلم شهید شرافت بودم، اولین دوره از کتاب‌های جدیدالتألیف دوره ابتدایی را در آن دانشگاه برای معلمان برگزار کردیم که ادامه نیافت. به همین دلیل پیشنهاد



می‌کنم از همین الان برنامه‌ریزی کنیم و یک دوره بسیار مفصل را در تابستان برای کتاب‌های جدیدالتألیف ادبیات با حضور استادان سراسر کشور برگزار کنیم.

○ **محمدرضا سنگری:** باید محتوایی در برنامه عرضه شود که وقتی دانشجو وارد میدان تدریس می‌شود و به کتاب درسی می‌رسد، با همه ابعاد و گستره کتاب درسی آشنا باشد.

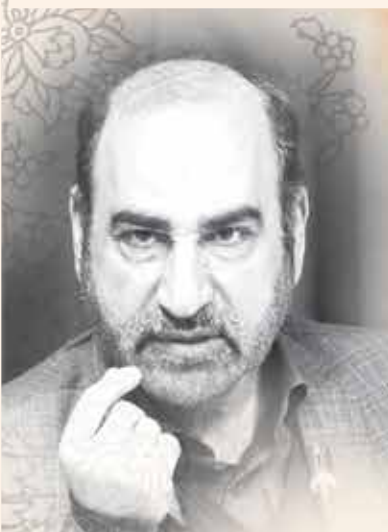
در کتاب‌های درسی، فصل‌هایی به «ادبیات جهان» و «ادبیات پایداری» اختصاص یافته‌اند، اما در سرفصل‌های برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان هیچ خبری از ادبیات جهان و ادبیات پایداری نیست.

اما سؤال دوم:

● **بین دانشجوی دانشگاه فرهنگیان و کتاب درسی چه نسبتی وجود دارد؟ آیا دانشگاه فرهنگیان در جریان برنامه‌ریزی جدید گروه زبان و ادبیات فارسی هست و خبر دارد که محتوای کتاب‌های درسی قرار است چه باشد؟**
○ **علی‌اکبر کمالی‌نهاد، معاون آموزشی دانشگاه فرهنگیان و عضو شورای نویسندگان مجله:**

متأسفانه پاسخ این سؤال منفی است. این برنامه که می‌فرمایید، بعد از برنامه درسی دوره متوسطه، در سازمان پژوهش، تدوین شد. یعنی آن هماهنگی که پیش‌تر

باید بین دانشگاه فرهنگیان و گروه زبان و ادبیات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی اتفاق می‌افتاد، هنوز اتفاق نیفتاده است. می‌دانید که تألیف کتاب‌های پایه ابتدایی



از دهه هشتاد شروع شد، اما کتاب‌های درسی‌ای که الان در متوسطه اول در حال تدریس شدن هستند، از سال ۹۲-۱۳۹۱ شروع شده‌اند. کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه هم از سال ۹۴-۱۳۹۳ آغاز شدند. یعنی معلمان باید قبل از سال ۱۳۹۰ با این برنامه آشنا می‌شدند تا بتوانند در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ این کتاب‌ها را آموزش بدهند.

اما سرفصل‌های برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان که خانم جعفری آن را بیان فرمودند، در سال ۱۳۹۹ به نتیجه رسیده است. حالا سؤال اینجاست که آیا در برنامه درسی سال ۱۳۹۹ این نکاتی که در ابتدای جلسه ذکر شد، در نظر گرفته شده بود؟ من در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ که در دبیرخانه راهبری بودم، معلمان ادبیاتی را می‌دیدم که می‌خواستند علوم و فنون ادبی سال ۱۳۹۴ را تدریس کنند، ولی از محتوای این کتاب کاملاً بی‌اطلاع بودند. آن‌ها نمی‌دانستند چرا فصل‌های عروض و تاریخ ادبیات تغییر کرده و به این شکل در کتاب آمده‌اند.

در سال ۱۳۸۸ مرحوم نعمت‌اللهی تغییراتی در سرفصل‌های درونی دانشگاه فرهنگیان داده بود که با آنچه اکنون در دبیرستان‌ها تدریس می‌شود، ارتباط زیادی نداشت. در سال ۱۳۹۷ هم در برنامه تغییراتی داده شد که در سال ۱۳۹۹ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی به نتیجه رسید و اکنون هم تدریس می‌شود. یعنی با اینکه از سال ۱۳۹۷ کتاب‌های درسی دبیرستان تغییر کرده‌اند، بعد از گذشت چند سال، دانشجومعلمان ما تازه همین امسال این آموزش‌ها را می‌بینند و با این تغییرات کتاب‌های درسی آشنا می‌شوند.

بنابراین در پاسخ به سؤال شما که آیا استادان ما با محتوای برنامه درسی دبیرستان همراه هستند یا نه، من به



درس تبدیل شدند و درس‌های دیگری هم مرتبط با کتاب‌های متوسطه آوردیم. در حالی که عروض و قافیه در کتاب «علوم و فنون ادبی» با رویکرد عروض شنیداری تدریس می‌شود، در سرفصل‌های دانشگاه عروض و قافیه با رویکرد شنیداری نداشتیم و به همان شیوه قدیمی تقطیعی کار می‌کردیم، اما الان، با حدود ۹ سال تأخیر، استادان ما کتاب‌هایی را با آن نگاه تدوین کرده‌اند. در سرفصل‌های دانشگاه فرهنگیان هم منابعی متناسب با آن را داریم. من چه در این پانزده سال اخیر که مسئولیت اتحادیهٔ معلمان را دارم و چه

خواندن متن فارسی را انجام بدهیم؟ بله، اما دانشجویی ما که اصلاً این واحد و سرفصل‌ها را ندیده و حتی یک کتاب هم با این موضوع نخوانده، چطور خواهد توانست این درس را تدریس کند؟! قطعاً نمی‌تواند تدریس کند، مگر با همان شیوهٔ قبلی خودش.

من در استان‌ها دیده‌ام که مدرسان و استادان ما هنوز دارند عروض را با همان شیوهٔ تقطیعی درس می‌دهند. در هنگام تدریس می‌بینند که در کتاب، آموزش پایه‌های آوایی آمده است و وقتی می‌بینند اختیارات شاعری را که قرار بوده سال یازدهم بیاید، در این پایه آورده‌اند و در پایهٔ دوازدهم آن را گفته‌اند، فکر می‌کنند مؤلفان متوجه این موضوع نشده‌اند؛ در حالی که رویکرد شنیداری است و در این رویکرد اصلاً نیازی به اختیارات شاعری نداریم.

این روش که از پایهٔ یازدهم شروع شده، یک روش جدید است، اما چون معلم این روش را نمی‌داند، عروض را با همان روش قبلی تدریس می‌کند و روشی را که به‌عنوان سوپاپ اطمینان در زیر آورده‌ایم (که اگر کسی با گوشش تشخیص نداد...) آن روش را به‌عنوان روش اصلی در نظر می‌گیرد. همین موضوع در درس عروض در تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی و حتی نگارش هم صدق می‌کند.

نکتهٔ بعدی گنجاندن سرفصل «مهارت‌های خواندن و نوشتن» در برنامهٔ درسی دانشگاه فرهنگیان است که اگرچه خوب است، اما هنوز کتاب و برنامه و استادان متخصص این حوزه را نداریم. در سرفصل‌های برنامهٔ درسی کارشناسی ارشد، آموزش مهارت خلاقیت‌های زبانی را که با کتاب درسی نگارش دورهٔ متوسطه نظری است آورده‌ایم، اما نه تنها کتابی برای آن نداریم، بلکه برای تدریس آن هم به‌جرت می‌گویم، با توجه به جدیدبودن این سرفصل، به اندازهٔ کافی استاد متخصص نداریم؛ چون استادان مثلاً کتاب نگارش دیگری را خوانده‌اند، نه این نگارش را. یا کتاب تاریخ ادبیات دکتر **ذبیح‌الله صفا** را خوانده‌اند، اما در اینجا تاریخ ادبیات را تغییر داده‌ایم.

به عقیدهٔ من واحدهای مربوط به نوشتن باید بیشتر می‌شد. اما متون به اندازهٔ کافی در برنامهٔ درسی وجود دارد و استاد متخصص آن درس به‌خوبی می‌تواند آن را آموزش بدهد و دانشجویان را با متن آشنا کند

آن زمان که مسئولیت دبیرخانه را داشتم، برای معلمان در مدرسه جلسه می‌گذاشتم و کتاب تدریس می‌شد؛ اما چون برای برگزاری دوره‌های کشوری آموزش معلمان بودجه نبود، این دوره‌ها برگزار نشد. تنها کاری که توانستیم انجام دهیم این بود که در هر دوره برای هر استان یک مدرس آوردیم و فقط در سه روز به آن‌ها آموزش‌هایی می‌دادیم تا بروند در استان‌های خودشان این آموخته‌ها را انتقال دهند.

آیا رویکرد ما در کتاب‌های فارسی برای تحلیل متن و مهارت‌های زبانی سه قلمرو است؟ ما می‌خواهیم تمرین مهارت

جرت می‌گویم نه. استادان دانشگاه فرهنگیان به علت ناهماهنگی و نداشتن ارتباط با گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف، با برنامهٔ درسی حوزهٔ تربیت و یادگیری آموزش و پرورش (که هنوز هم به تصویب نهایی نرسیده است) آشنا نیستند و اصلاً نمی‌دانند فلسفهٔ قلمروهای سه‌گانه چیست و با رویکردهای کتاب‌های فارسی دورهٔ متوسطه بیگانه‌اند. از این‌رو ما به چندین دورهٔ آموزشی برای استادان، برای همراه‌شدن آن‌ها با این سرفصل‌ها، نیاز داریم.

از اهداف جدید برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان توسعهٔ واحدهای دانشگاهی است، متناسب با آنچه در کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی دورهٔ دبیرستان است. به‌عنوان مثال، در گذشته دو برنامهٔ بررسی کتاب‌های درسی فارسی ۱ و ۲ دورهٔ متوسطه را داشتیم و استاد باید تحلیل و بررسی و روش تدریس همهٔ کتاب‌های فارسی و نگارش را با دانشجویان معلم کار می‌کرد و قطعاً در یک نیم‌سال فرصت این کار را نداشت. ما بر اساس هر عنوان درسی یک سرفصل نوشتیم. فارسی متوسطهٔ اول و دوم در یک عنوان، نگارش متوسطهٔ اول و دوم در یک عنوان و علوم و فنون ادبی اول و دوم هم در عنوانی دیگر. این‌ها به سه

○ **محمدرضا سنگری:** اگر معلم و استاد عقبة کتاب را نشناسد، قادر به تدریس درست آن نخواهد بود. برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان، اگر مبتنی بر برنامه درسی جدید باشد، بسیار خوب است. به یاد دارم، در دوره ابتدایی، آموزش و پرورش برای برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و آموزش معلمان بیش از دو سال همراهی نکرد و معلم بدون اطلاع از برنامه درسی به همان روش قبلی خود تدریس می‌کرد. آموزش استادان از دشوارترین مسائل است؛ چون غالباً به این کار تن نمی‌دهند، مگر اینکه با نیرنگ و رندی بتوان این کار را انجام داد. تا بخواهید برنامه ۱۳۹۹ را (که آزمایشی و پنج‌ساله است) در دانشگاه فرهنگیان اجرا کنید، برنامه دوباره تغییر می‌کند. مثلاً الان گروه ادبیات دفتر تألیف در تدارک برنامه جدید است. با اجازه شما سومین سؤال را مطرح می‌کنم:

● **آیا استادان برنامه درسی ادبیات را می‌شناسند؟ آیا مجموعه اسناد بالادستی و برنامه درسی می‌تواند خود یک واحد درسی در دانشگاه فرهنگیان باشد؟**

○ **حیدر قمی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان در پردیس شهید مفتاح شهر ری:**

در دانشگاه فرهنگیان از ۱۵۰ واحد درسی، ۶۸ واحد تخصصی در زبان و ادبیات فارسی است که شامل متون نثر و نظم و آرایه و تاریخ ادبیات است. ۳۰ واحد هم موسوم به «دانش پداگوژی محتوا»^۱ داریم که ۱۳ واحد آن تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۲ واحد تربیتی، ۱۶ واحد معارف اسلامی، ۵ واحد مصوب وزارت علوم و ۲ واحد ویژه دانشگاه فرهنگیان است. این‌ها مجموع واحدهای ما را تشکیل می‌دهند. بنابراین دانشجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود، ۶۸ واحد تخصصی و ۳۰ واحد «پداگوژی محتوا» را گذرانده است. مابقی درس‌هایی هستند که برای حرفه معلمی لازم و ضروری‌اند. مجموع این ۱۵۰ واحد در حدود ۱۵ واحد بیشتر از دانشگاه‌های

دیگر است؛ چون دانشگاه‌های دیگر ۱۳۵ واحد دارند.

برنامه موجود ما یک گام جلوتر از برنامه‌های قبلی است و این را با آماری که گرفته‌ام، تأیید می‌کنم. در هنگام تدوین برنامه درسی، تصمیم گرفتیم از دفتر تألیف هم چند نفر در جمعان باشند که در آن زمان آقایان دکتر **حسین قاسم‌پور مقدم** و **شادروان دکتر حسن ذوالفقاری** و خانم **ده‌بزرگی** بودند.

به گمان من، رابطه بین برنامه درسی دانشگاهی با آموزش و پرورش و نهاد کاربر آن رشته دانشگاهی، باید به قول اهل منطق رابطه عموم و خصوص من وجه باشد. یعنی کسی که دانش آموخته دانشگاه می‌شود، باید عرصه وسیع‌تری از موضوعاتی را که در آموزش و پرورش تدریس می‌شود آموخته باشد؛ چون ممکن است برنامه‌ای که ۱۰۰ درصد با دانشگاه همسو است و رابطه توالی هم با آن دارد، با تغییر برنامه‌ریزان درسی به هم بخورد. ممکن است دانشجومعلمی که برای برنامه خاصی آموزش دیده است، در شرایط جدید نتواند به درستی کار تدریس و وظیفه معلمی‌اش را انجام بدهد. بنابراین، مهم است که دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، هم برنامه آموزش و پرورش و هم برنامه‌ای فراتر از برنامه آموزش و پرورش را ببیند. رویکرد بنده تا جایی که در برنامه دخیل بودم، همین است.

البته ممکن است در برنامه بعضی از موضوعات واحد مستقل نباشند، اما ما در متون نظم و نثر و دستور و تاریخ ادبیات و ادبیات معاصر، آن موضوعات را که ممکن است واحد خاصشان در برنامه آموزش و پرورش به عنوان موضوع آمده باشد، حتماً در برنامه درسی در دل متون نظم و نثر فارسی یا تاریخ ادبیات آورده‌ایم. بنابراین، کوشش ما این بود که این قضیه مغفول نماند. در ضمن، از آنجا که آنچه معلم لازم دارد فقط متون نظم و نثر و تاریخ ادبیات نیست، بلکه از آن مهم‌تر او باید کتاب فارسی را در

متوسطه اول و متوسطه دوم درس بدهد، یا علوم و فنون و نگارش را درس بدهد، ما برای همه این‌ها واحد در نظر گرفتیم: روش بررسی و تدریس کتاب‌های فارسی متوسطه‌های اول و دوم، روش بررسی و تدریس کتاب‌های نگارش متوسطه‌های اول و دوم، و روش بررسی و تدریس کتاب‌های علوم و فنون ادبی متوسطه‌های اول و دوم. یا مثلاً معلم احتیاج دارد دانش برنامه درسی را بفهمد. دو واحد درسی هم برای این مطلب گذاشتیم، به نام «برنامه‌ریزی درسی در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی». هر جایی که حس می‌کردیم لازم است، با وجود اینکه در تنگنا قرار داشتیم، این نیاز را برآوردیم. در ضمن، در خود کتاب‌های درسی هم این تعارض‌ها وجود دارد، چه رسد به رابطه بین آموزش و پرورش با دانشگاه فرهنگیان! مثلاً رویکرد موضوعی، که آقای دکتر سنگری هم اشاره کردند، در کتاب‌های فارسی به صورت فصل‌های ادبیات غنایی، ادبیات پایداری و... وجود دارد، اما در کتاب‌های تاریخ ادبیات





رویکرد تاریخی و موزائیکی است. یعنی درباره هر شاعری جداگانه است. این رویکرد اشتباه است. درست‌ترین روش آموزش تاریخ ادبیات و چیدمان متون، همان روش موضوعی است. به این دلیل که با تعریف تاریخ ادبیات هم‌خوانی دارد. تاریخ ادبیات دانشی است که سیر تحول و تطور و فراز و فرود ادبیات را در بستر تاریخ برای ما بازگو می‌کند. در حالی که رویکرد موزائیکی با این تعریف هم‌خوانی ندارد. پس اگر قرار است اصلاحاتی هم انجام شود، در ابتدا باید در خود برنامه آموزش و پرورش صورت بگیرد.

• آیا کتاب‌های روش تدریس که مرجع و ملجأ استادان و دانشجویان باید باشند، هنوز هم وجود دارند؟ آیا برای همه کتاب‌ها تولید شده‌اند؟ و اگر تولید شده‌اند، آیا بر اساس تحولات اخیر که در کتاب‌های درسی اتفاق افتاده، بازنگری شده‌اند؟

○ محمدحسین نجفی، کارشناس گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف و عضو شورای نویسندگان مجله:

کتاب‌های روش تدریس از سال پیش جزو منابع آزمون‌های استخدامی شد و به این نتیجه رسیدیم که باید در این زمینه

بازبینی صورت بگیرد. سپس کتاب‌های متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم) و بعد چهارم، پنجم و ششم را بازبینی کردیم. البته هنوز تصویرگری و موارد ویرایشی آن به اتمام نرسیده و تاکنون فقط یکی از این کتاب‌ها روی وبگاه قرار گرفته است و بقیه در فرایند تولید هستند.

ما فعلاً مشغول نوشتن برنامه درسی جدید هستیم، ولی متأسفانه هنوز کتاب‌های متوسطه دوم ثبت نشده‌اند. برنامه درسی ملی در سطح مدرسه خیلی ضروری است و باید پیاده بشود، اما متأسفانه نیروی این کار را نداریم. باید برنامه درسی ملی جدیدی را که در سطح مدرسه نوشته شود جدی گرفت. باید ارتباط معناداری بین دانشگاه فرهنگیان و دفتر تألیف و سازمان پژوهش وجود داشته باشد و این هم هرچه سریع‌تر رخ بدهد و جدی‌تر و اصولی‌تر از قبل باشد. این برنامه بر اساس هویت دوره‌های تحصیلی است و برای این کار معلمان دیگری، غیر از معلمان گذشته، باید باشند. در این یک سال اخیر من بین دفتر تألیف و دانشگاه فرهنگیان ارتباطی چندان جدی ندیده‌ام. این ارتباط باید جدی‌تر از قبل باشد.

درباره واحدهای درسی هم من واحدهای درسی دیگری روی وبگاه دیده بودم. اما درباره این واحدهای درسی که خانم دکتر جعفری گفتند، حتی براساس برنامه‌های قبلی هم، جای بعضی از کتاب‌ها خالی است. مثلاً در نگارش متوسطه اول و متوسطه دوم، دو واحد به نگارش اختصاص یافته و دو واحد هم به فارسی و املا. اما آیین نگارش و ویرایش بیشتر باید و نیادهای نوشتن است، نه چطور نوشتن.

این برنامه شاید فراتر از چیزی باشد که نیاز ماست، اما معنی‌اش این نیست که پیش رویمان را ببینیم. پس این برنامه نباید با آن چیزی که تدریس می‌شود فاصله زیادی داشته باشد. در برنامه درسی، برای معلمی که می‌خواهیم تربیت کنیم، بحث نگارش، به معنی نوشتن، که واقعاً نیاز دانش‌آموزان است، باید گنجانده شود.

مدرسه‌ها هم در این مورد کم‌کاری می‌کنند. حرمت امام‌زاده را باید متولی آن نگه دارد. مدرسه‌ها درس نگارش را کم‌رنگ می‌بینند. مثلاً وقتی کتاب نگارش در نظر مدیر مدرسه درسی باشد که در نهایت، آزمون پایانی آن فقط به نوشتن یک انشا درباره پاییز محدود می‌شود، تصمیم می‌گیرد این درس را جدی نگیرد و فکر می‌کند خودش هم به جای معلم می‌تواند آن را درس بدهد. شاید این موضوع به دانشگاه هم تسری پیدا کرده باشد و دانشگاه‌ها هم تصور کنند دانشجویان به درس نگارش نیاز چندانی ندارند و فکر می‌کنند در درس نگارش بیشتر باید به بخش ویرایش اهمیت بدهند تا نگارش؛ یعنی آن چیزی که بعد از نوشتن رخ می‌دهد. در زمینه نوشتن، کتاب‌های خوبی وجود دارد. اما متأسفانه کتاب‌های خوب به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شوند یا به‌صورت ناقص تدریس می‌شوند.

پیشنهاد من این است که دوره‌های ضمن خدمت بر کتاب‌های درسی و کتاب‌های کمک‌درسی مبتنی باشند. در این دوره‌ها کتاب درسی و کتاب‌های روش تدریس برای سازمان پژوهش، نه فقط دانشگاه، آموزش داده شوند و آنچه در سطح مدرسه نیاز دارند، پررنگ‌تر شود. کارشناس دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان باید نسبت به دانش‌آموخته این رشته در دانشگاه تهران، پرمایه‌تر باشد.

این ۳۰ واحدی که درباره آموزش و پرورش یا دانش و هنر معلمی (پداگولوژی) محتوا گفته شد، بهتر است طوری برنامه‌ریزی شود که بیشتر از قبل باشد. سعی می‌کنیم هر تغییری را که در برنامه درسی داده می‌شود، از طریق سرگروه‌های استان‌ها به گوش معلمان برسانیم.

پی‌نوشت

۱. دانش پداگوژی (دانش و هنر معلمی) محتوا یا PCK Knowledge of content pedagogy که به آن دانش محتوایی آموزشی نیز می‌گویند، عبارت است از ترکیب یا ادغام دانش آموزشی و محتوای موضوعی که شولمن در دهه ۱۹۸۰ میلادی معرفی کرد.